

Analysis of the Intent and Consent of Parties Regarding Unfair Terms in Contracts Comparative Study in Iranian and French Law)

 **Hedieh Karimi**

Master of Intellectual Property, University of Tehran, Tehran, Iran, hedieh_karimi_94@yahoo.com

 **Abbas Karimi**

Professor, Department of Private Law, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author)
abkarimi@ut.ac.ir



Abstract

Although the Intention and Consent regarding the contract itself have been extensively discussed in both general and specialized legal writings, this discussion has been less addressed concerning one or more terms stipulated within the contract. This article, using a descriptive-analytical research method with a comparative approach, examines the absence of intent and consent regarding imposed contract terms in two separate discussions (despite the presence of both regarding the main contract):

1. Imposed terms signed in the contract that are illegible, placed in unrelated section of the contract, or terms whose acceptance by the “obligated” party is unreasonable.
2. Imposed terms that are not stated in the contract but are displayed elsewhere, included in contractual annexes that have not been signed by the contracting party, or mentioned in a document delivered after the contract’s conclusion, where the signed contract merely refers to them without specifying their exact content.

Journal of Research and
Development in Private Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 2 | Fall 2024 and
Winter 2025
(Original Article)

www.jpl.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jpl.2025.2052141.1189](https://doi.org/10.22034/jpl.2025.2052141.1189)

Through a comparative study, it is concluded that such terms are void, similar to french law, under iranian law without affecting the validity of the main contract. Therefore, these terms are considered void but non-nullifying clauses, categorized in French law as nullité partielle.

Keywords : intent and consent, unfair terms, excessive terms, unconscionable terms, unreadable contractual terms, terms in contractual appendices



تحلیل قصد و رضای طرفین نسبت به شروط تحمیلی در قراردادها (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)

کارشناسی ارشد مالکیت فکری دانشگاه تهران، تهران، ایران
hedieh_karimi_94@yahoo.com

هدیه کریمی



استاد حقوق خصوصی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
abkarimi@ut.ac.ir

عباس کریمی



چکیده

گرچه تاکنون قصد و رضا نسبت به خود عقد به طور مفصل در تألیفات عمومی و اختصاصی حقوقی بحث شده لیکن این بحث کم‌تر در رابطه با یک یا چند شرط ضمن عقد صورت پذیرفته است. در این مقاله با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با دید تطبیقی، عدم وجود قصد یا رضا را نسبت به شروط ضمن عقد تحمیلی (به رغم وجود این دو نسبت به خود عقد) در دو مبحث جداگانه بررسی نموده‌ایم: ۱- شروط تحمیلی امضاء شده در قرارداد که ناخوانا بوده یا در بخش غیر مرتبط قرارداد بوده و یا شروطی که پذیرش آن‌ها توسط «مشروط علیه» غیر معقول به نظر می‌رسد؛ ۲- شروط تحمیلی که در قرارداد ذکر نگردیدند لیکن در محل نصب شده‌اند یا در ضمائم قراردادی آمده‌اند که به امضاء طرف قرارداد نرسیده‌اند و یا در سند تسلیم شده بعد از انعقاد قرارداد ذکر گردیده‌اند و در قراردادی که به امضای «مشروط علیه» رسیده فقط به آن‌ها بدون ذکر دقیق ارجاع شده است.

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق خصوصی
پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

www.jpl.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jpl.2025.2052141.1189](https://doi.org/10.22034/jpl.2025.2052141.1189)

در این موارد با مطالعه تطبیقی این نتیجه اخذ شده که این شروط در حقوق ایران همانند حقوق فرانسه باطل است بدون این که خللی به صحت عقد وارد کند پس این شروط در زمره شروط باطل غیر مبطل که در حقوق فرانسه nullité partielle خوانده می شود قرار می گیرند.

کلیدواژه ها: قصد و رضا، شروط تحمیلی، شروط گزاف، شروط غیر منصفانه، شروط قراردادی ناخوانا، شروط ضمائم قراردادی، شروط منصوب در محل، شروط قراردادی غیر معقول، شروط مندرج در اسناد پساقراردادی



مقدمه

از شرایط اساسی صحت عقود، بحث اهلیت طرفین کمتر در رابطه با اجزاء عقد، مستقل قابل طرح است^۱ زیرا کسانی که در رابطه با اصل عقد اهلیت دارند قطعی در رابطه با شرط نیز اهلیت خواهند داشت مگر این که یک شرط یا جزء مالی در عقد غیرمالی درج شده باشد که در این صورت امکان طرح این بحث وجود دارد همانند: زمانی که سفیه در عقد نکاح دائم، مهریه نیز تعیین کرده یا شرط ضمن عقد مالی پذیرفته باشد که در این صورت وی را نسبت به عقد واجد اهلیت و در رابطه با مهریه یا شرط ضمن عقد فاقد آن قلمداد می‌کنیم.

برعکس در رابطه با سایر شرایط اساسی صحت عقد، شروط ضمن عقد، مستقل می‌توانند بررسی گردند: یک شرط به تنهایی می‌تواند جهت نامشروع داشته باشد و باطل اعلام گردد. موضوع شرط می‌تواند معلوم و معین نباشد و به عنوان شرط مجهول به طور مستقل موضوع حکم قرار گیرد و همچنین می‌تواند به رغم این که عقد متعلق به قصد و رضای طرفین واقع شده یک شرط یا شروط خاص از حوزه قصد و رضای طرفین خارج مانده باشد و گرچه به ظاهر در قرارداد گنجانده شده لیکن به علت عدم تعلق قصد و رضا به آن، حکم جداگانه‌ای از عقد خواهد داشت. گرچه عیوب رضا نیز بحثی است درخور توجه، لیکن در این پژوهش در نظر است از طریق روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با دید تطبیقی، حکم عدم وجود اصل قصد و رضا نسبت به یک شرط که در حقوق فرانسه تحت عنوان "existence me me du consentement" رسیدگی گردد. و چون به طور معمول، قراردادهای مورد مطالعه کتبی منعقد می‌شوند بنابراین بحث حاضر هم نسبت به شروط قراردادی امضاء شده توسط طرفین (مبحث یکم) و هم شروط قراردادی ارجاع داده شده توسط آنان (مبحث دوم) جداگانه منعقد می‌گردند:

۱. امامی، ۱۳۳۵، ج ۱: ۳ و ۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۴۹: ۱۹۲؛ شهیدی ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۵۰؛ صفایی و همکاران ۱۳۹۶: ۱۷۶ و بعد؛ صفایی و همکاران ۱۳۹۹: ۱۲۹؛ کاتوزیان ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۰.

مبحث یکم - قصد و رضای طرفین نسبت به شروط تحمیلی امضاء شده در قراردادها

درج شروط تحمیلی چنان برای طرف ناخوشایند است که با دیدن آن‌ها، از پذیرش قرارداد و امضای آن صرف‌نظر می‌نماید مگر این که وابستگی وی به قرارداد در حدی باشد که چاره‌ای جز امضای قرارداد نداشته باشد. به همین دلیل تهیه‌کنندگان قرارداد دارای شرط و شروط تحمیلی گاهی سعی می‌کنند شروط را به نحوی در قرارداد بگنجانند که توجه طرف جلب نگردد و گاهی بی‌دقت و بدون خوانش قرارداد به امضای آن اقدام نمایند و گاهی جایگاه آن را به نحوی تعبیه کنند که توجه طرف معطوف بدان نشود. در این دسته از شروط براساس استقراء به عمل آمده توسط نویسندگان، با سه دسته شرط تحمیلی مواجه می‌باشیم: شروط ناخوانا (بند یکم). شروط مندرج در بخش غیرمرتبط قرارداد (بند دوم) و شروط غیرمعقول (بند سوم).

بند یکم - شروط تحمیلی ناخوانا

گرچه در هر دو نظام حقوقی مورد مطالعه اصل بر این است که امضای قرارداد به صورت مجموعه واحد (en bloc) به معنای پذیرش تمام شروط مندرج در آن است با این همه در حقوق فرانسه قریب یک قرن است که دادگاه‌ها به این امر می‌پردازند که آیا تمام شروط قراردادی توسط طرف ضعیف آن مورد فهم و پذیرش قرار گرفته است یا خیر؟ به نظر قضات فرانسوی در قراردادهای الحاقی آن چه حتمی به توافق طرفین رسیده اصل انعقاد قرار است و در جزئیات آن فقط اراده موجب مسلم است.^۱ به همین دلیل در حقوق فرانسه، آراء قضایی به پایش شروطی پرداختند که در معرض دید طرف قرارداد به روشنی قرار نمی‌گرفت. مثل شرطی که دادگاهی به غیر از دادگاهی که بر اساس قواعد عمومی، صلاحیت محلی رسیدگی به دعوا را داشته به عنوان مرجع صالح تعیین نموده است. دادگاه استان بورژ برای بی‌اعتبار اعلام نمودن چنین شرطی چنین

^۱-R.DE SAINT-REMY, De la revision des clauses léonines dans les contrats d'adhésion, Th. Paris, 1928.

استدلال نموده که این شرط که در حاشیه قرارداد با حروف ریز و غیر آشکار چاپ شده بوده که توجه طرف قرارداد را جلب نمی‌نموده است.^۱ در رأی دیگری که از دادگاه پاریس صادر شده شرطی که در زیر امضای طرف قرارداد الحاقی فقط شروطی را الزام‌آور قلمداد نموده است.^۲ بدین ترتیب دادگاه‌ها در قراردادهای الحاقی فقط شروطی را الزام‌آور قلمداد نموده‌اند که آشکارا توجه الحاق‌شونده را جلب نموده باشد و الا رضایت وی را نسبت به چنین شرطی محرز نداشته‌اند و آن را معتبر قلمداد نکرده‌اند.

در حقوق ایران نیز با ترکیب اصل و ظهور می‌توان به همین حکم رسید. اصل عدم اقتضاء دارد هرگاه در پذیرش یا عدم‌پذیرش شرطی تردید حاصل شده اصل را بر عدم‌پذیرش شروط مزبور قرارداد، حکم به عدم توافق و در نتیجه وقوع بار اثبات دلیل به عهده ذی‌نفع نموده ولیکن در صورت تنظیم قرارداد کتبی، امضای ذیل قرارداد، ظهور در اطلاع و پذیرش همه اجزای قرارداد از جمله شروط قراردادی دارد. با توجه به این‌که در تعارض اصل و ظهور، ظهور غالب است و اصل فقط در جایی که دلیل وجود ندارد دلیل قلمداد می‌گردد در صورتی که ظهور و اصل در مورد واحدی قابل اجرا باشند اصل مغلوب است اما فقط در صورتی که ظهور اتفاق افتاده باشد. در مواردی که به نوعی اطلاع و پذیرش شروط توسط افراد اتفاق نمی‌افتد ظهور واقع نشده در نتیجه به اصل عدم باید مراجعه کرد حتی می‌توان پا را فراتر نهاد و بیان کرد که ظهور نیز اشاره بر عدم توافق دارد. به عنوان مثال در شروط ناخوانا ظهور بر این است که افراد به نوعی از این شروط مطلع نمی‌شوند و در نتیجه این شروط مورد توافق قرار نمی‌گیرند. با استفاده از هر دو استدلال: ۱- عدم وجود ظهور اطلاع از شروط و پذیرش آن‌ها و در نتیجه جاری ساختن اصل عدم و ۲- وجود ظهور بر عدم اطلاع و در نتیجه پذیرش شروط می‌توان نتیجه گرفت که شروط تحمیلی موافقت نشده‌اند و ظهوری که در پذیرش خود قرارداد وجود دارد به این شروط سرایت نمی‌کند.

^۱. CA Bourges, 4 fé vr. 1963 : D. 1963, P.239.

^۲. TGI Paris, 20 mai 1968 : Gaz. Pal. 1968,2, 135.

بند دوم- شروط مندرج در بخش غیر مرتبط قرارداد

گاهی شروط قراردادی ناعادلانه در بخش‌هایی از قرارداد گذاشته می‌شوند که طرف قرارداد به آنها به طور معمول بی‌توجه باقی می‌ماند و به نوعی و در زمان مطالعه و امضای قرارداد افراد به این شروط عنایتی ندارند و بنابراین نمی‌توان به واقع از رضایت طرف قرارداد نسبت بدان‌ها سخن به میان آورد. عدم وقوع شرط خاصی از یک قرارداد حیطة تراضی طرفین، موجب بطلان شرط خواهد بود و در این صورت با شرطی مواجه خواهیم شد که در حقوق اسلامی و ایرانی به شرط باطل غیر مبطل موسوم است و دادگاه‌ها در مواجهه با این شروط، اعتباری برای آن‌ها قائل نخواهند شد. استدلالی که پیش از این در رابطه با شروط تحمیلی ناخوانا مطرح شد در رابطه با این شروط نیز می‌تواند مبنای استدلال را تشکیل دهد. در حقوق ایران، آرای احتمالی که در این زمینه صادر شده کمتر در دسترس قرار دارد. با این همه در حقوق فرانسه، آرای ارزش‌مندی در این رابطه وجود دارد از آن جمله: شرطی که در حاشیه قرارداد جا گرفته^۱ یا شرطی که پس از امضای ملحق‌شونده به قرارداد قرار گرفته بدون این که پیش از آن عبارتی باشد که وی را به وجود چنین شرطی هدایت نماید^۲ این شرط به نظر شعبه یکم دیوان عالی کشور فرانسه غیر معتبر قلم‌داد شده به این جهت که شرط مزبور در پشت بن سفارش کالا درج شده بوده در حالی که امضای سفارش‌دهنده فقط بر روی آن دیده می‌شود^۳. در این پرونده قضات دیوان عالی کشور، رأی دادگاه استانی که شرط عدم مسئولیت مندرج در ظهر این سند را غیر معتبر اعلام نموده بود تأیید کرده‌اند با این استدلال که با فقدان ارجاع روشن به این شرط در روی سند، امضاکننده به طور طبیعی نمی‌توانسته از وجود چنین شرطی در میان شروط گوناگون در ظهر آن آگاه شده و نسبت به آن رضایت داده باشد. همین شعبه دیوان عالی کشور در رأی

^۱. CA Bourges, 4 fé vr. 1963, pré cit.

^۲. TGI, Paris, 20 mai 1968, pré cit.

^۳. Cass 1^{re} civ., 3 mai 1979: Bull. civ., I, n128, D.1980, inf. rap., p 262, note J. Ghestin; RED com 1980, p. 140, note J. Hérmard.

دیگری^۱ شرطی را که در ظاهر یک قرارداد فروش درج شده بود تحمیلی محسوب نمود و باطل کرد، شرطی که اعلام می‌داشت مهلت دو ماهه تسلیم مورد معامله مندرج در قرارداد تقریبی بوده و مشتری در صورت عدم تحویل در این مدت می‌توانسته ارسال اخطاریه به فروشنده را از وی بخواهد و کالا را تحویل دهد و یا با فسخ قرارداد، استرداد مبالغ واریز شده همراه با نرخ سود قانونی را خواستار شود و چنین تقاضایی نمی‌توانسته طرح شود مگر پس از ۹۰ روز پس از ابلاغ اخطاریه.

مبارزه با این شروط، چنان در سطح گسترده در حقوق فرانسه شکل گرفته که کمیسیون شروط تحمیلی در توصیه کلی خود چنین اعلام داشته: نظر به این که تعداد کثیری از قراردادها حاوی امضای مصرف‌کنندگان فقط بر روی قرارداد می‌باشند و معلوم نیست که وی از شروط مندرج در ظاهر آن مطلع شده باشد، بنابراین توصیه می‌شود که مجموع شروط قراردادی بر امضای مصرف‌کننده مقدم گردد.^۲

توصیه‌نامه‌های کمیسیون الزام‌آور نیستند لیکن نمی‌توان منکر تأثیر آن‌ها بر آرای قضایی شد و فعالین اقتصادی که چنین توصیه‌نامه‌هایی را رعایت نکنند در دادگاه‌ها با آرای قضایی مواجه خواهند شد که شروط قراردادی آنان را باطل اعلام می‌کند و به همین دلیل به طور معمول به توصیه‌نامه‌های مذکور عمل می‌شود.

بند سوم- شروط غیر معقول

منظور از شروط غیرمعقول، شروط موضوع بند دوم ماده ۲۳۲ قانون مدنی نیست و گرنه شرطی که در آن نفع و فایده عقلانی نباشد پیش از این توسط ماده مذکور، باطل اعلام شده است. شرط اخیر شرطی است که برای «مشروط له» نیز نفع عقلایی در پی ندارد در حالی که منظور از شرط غیر معقول در این بحث، شروطی است که پذیرش آن توسط «مشروط علیه» دارای توجیه عقلانی نیست و دلیلی ندارد که وی چنین شرطی را پذیرفته

^۱ Cass 1^{re} civ., 16 juill. 1987: Bull.civ. I, n 226; D. 1987, somm., p. 456, note J-L Aubert; Ibid 1988, p.49, note J. Calais- Auloy; JCP 1988, é d. G., II, 21001 et Ibid, é d. E., II, 15223, note G. Paissant.

^۲ Recommandation n94-02 relative aux contrats concernant les cartes de paiement assorties ou non dun credit : BOCC 27 sept.1994: JCP1995, ed. G.,III, 67053

باشد. در حقیقت، غیر معقول بودن شرط، اماره بر عدم اطلاع مشروط علیه از وجود چنین شرطی و در نتیجه، عدم رضایت وی به این شرط است و آلا با آن مخالفت می‌نمود و از پذیرش آن امتناع می‌کرد و از امضای قرارداد با وجود چنین شرطی سرباز می‌زد. علت بطلان چنین شرطی را نه تنها استدلال فوق و به علت عدم وجود قصد می‌توان توجیه نمود بلکه قاعده «لشرط لایقسط علیه الثمن» نیز چنین اقتضایی دارد.

در حقیقت در حقوق اسلامی پذیرفته شده است که «الشرط لایقسط علیه الثمن» بدین معنا که طرفین قرارداد در شرایط عادی تعیین نمی‌کنند که چه مقدار از ثمن بابت کدام شرط است لیکن در همان حال گفته شده که «لشرط قسط من الثمن» و با این قاعده، تأثیر هر شرطی بر ثمن پذیرفته شده است.

درج هر شرط در قرارداد، بسته به این که به نفع کدام یک از طرفین قرارداد باشد موجب کاهش یا افزایش ثمن خواهد شد. بنابراین اگر شرطی در قرارداد وجود داشته باشد که اقتضاء قرارداد، پذیرش آن را توجیه نکند و دلیلی بر پذیرش چنین شرطی توسط یک انسان آگاه و متعارف وجود نداشته باشد این شرط «بدون جهت» واقعی است و به این علت و به علت عدم وجود قصد و رضای واقعی نسبت به آن باطل است بدون این که به بطلان قرارداد خللی وارد نماید. شبیه همین استدلال در حقوق فرانسه هم دیده می‌شود.^۱ مراجع قضایی فرانسه نیز در جایی که دلیل قانع کننده‌ای برای پذیرش شرط توسط مشروط له به دادگاه عرضه نمی‌شود چنین امری را کاشف از فقدان رضایت واقعی مشروط علیه قلمداد نموده‌اند.^۲

مبحث دوم- قصد و رضای طرفین نسبت به شروط تحمیلی ارجاع داده شده

در قرارداد

به طور معمول سه دسته شرط تحمیلی به چشم می‌خورند که در قرارداد در نمی‌گردند لیکن با ارجاع به آن‌ها چنین شروطی در روابط بین طرفین قرارداد قابل اعمال اعلام می‌شوند:

^۱ G. BERLIOZ, le contrat d'adhésion L.G.D.J, SEED, 1976, n935.

^۲ CA Bourges, 4 fé vr. 1963 : D1963, p.239.

شروط منصوب در محل (بند یکم) شروط مندرج در ضمایم قراردادی (بند دوم) و شروط مندرج در اسناد پساقاردادی (بند سوم).

بند یکم- شروط تحمیلی منصوب در محل

در دو مورد نه تنها اطلاعات قراردادی و غیر قراردادی منصوب معتبر است بلکه نصب آن‌ها الزامی است: ۱- جایی که قانون‌گذار در قوانین حمایت از مصرف‌کننده یا قوانین بهداشتی، نصب قیمت و اطلاعات خاصی بر روی کالا از طریق برچسب و یا نصب در محل عرضه لازم دانسته باشد. در این صورت، همان‌طور که دیوان عالی کشور فرانسه در رأی اعلام موضوع نموده^۱ چنین اطلاعاتی که از طریق دستگاه‌های حاکمیتی منتشر و رعایت آن‌ها الزامی شده در حکم قانون است و فرض می‌شود که اشخاص ذی‌نفع از آن مطلع می‌باشند؛ ۲- هرگاه در اجرای تعهد تحذیر و هشدار، شخصی که رهگذران یک ... عمدی و استفاده‌کنندگان از کالایی را در محل خطر قرار داده علائم هشداردهنده و اطلاعات تحذیری در معرض دید قرار دهد تا با برحذر داشتن آنان از ضمان ناشی از تلف شدن جان و مال معذور بماند (من حذر اعذر).

پس هر گاه شهرداری برای انجام طرح‌های شهری، اقدام به حفر کانال یا گودالی بنماید بر متصدیان امر است تا علاوه بر استفاده از حفاظ و موانع با نصب علائم قابل فهم و نوشته‌های روشن، ره‌گذران را از وجود خطر سقوط در آن مطلع سازد. بدین‌گونه کارخانه سازنده تلویزیون که باید مصرف‌کننده را از خطر برق‌گرفتگی با نصب نوشته‌ای در محل باز و بسته نمودن در محفظه اتصالات برقی مطلع نماید. در این مورد نیز چنین فرض می‌شود که رهگذر و مصرف‌کننده از اطلاعات منصوب اطلاع حاصل نموده‌اند. در حقوق فرانسه اطلاع دادن از خطر یک پله غیر منتظره یا خطر احتمالی سقوط سنگ و موارد مشابه در این رابطه به عنوان مثال ذکر شده‌اند^۲.

در غیر موارد فوق و در جایی که اعلام مطالبی به طرف قرارداد اجباری نیست خیلی از صاحبان حرف، اقدام به اعلان مطالبی در معرض دید ارباب رجوع خود می‌نمایند تا

^۱. Cass. Com., 21janv. 1959: Bull.civ., III, P.29, n34.

^۲. Ch. GIAUME, La Protection du consommateur contre les clauses alusires, Th. Nice, 1989,p. 138

چنانچه در زمان اجراء یا تفسیر قرارداد، اختلافی ایجاد شد به این مطالب استناد نمایند با این توجیه که آن‌ها به رؤیت طرف آنان و در نتیجه موضوع تراضی شده است. با این همه آیا می‌توان به ضرس قاطع اعلام کرد که طرف به واقع مطالب اعلام شده را دیده و به یقین اعتقاد داشت که در زمان انعقاد قراردادها مطالب دیده شده را مدنظر قرار داده و به عنوان شرط ضمن عقد پذیرفته است؟ آیا به عنوان مثال راننده ای که وارد پارکینگ عمومی می‌شود با ورود به پارکینگ اطمینان داریم مطلب نصب شده جلو گیشه ورود یا مکتوب در رسید پارکینگ را ملاحظه نموده و در زمان انعقاد عقد یعنی زمان ورود به پارکینگ (و نه پس از آن) آن‌ها را مورد قبول قرار داده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها نمی‌تواند مثبت باشد لیکن نمی‌توان از ضرورت وجود چنین روشی نیز به راحتی چشم پوشید آن هم در زمانی که سرعت بعضی از معاملات چنان اهمیت دارد که به غیر از این روش نمی‌توان راه دیگری را برای مطلع ساختن طرف قراردادی در پیش گرفت. در مثال بالا چگونه می‌توان همه راننده‌ها را در بدو ورود به پارکینگ از تمام شروط قراردادی مطلع ساخت؟ بنابراین نباید یک‌سره به مبارزه با رویه فوق پرداخته و باید انس و عادت آحاد جامعه با این اطلاعات و این شیوه اعلام را اماره ای قلمداد نمود بر اطلاع همه طرف‌های قرارداد و آنان را ملزم به این شروط قراردادی دانست مگر این که این شرط تحمیلی باشد و منطقی برای پذیرش آن توسط طرف قرارداد وجود نداشته باشد که در این صورت اماره فوق برطرف می‌شود و عدم رضایت طرف قرارداد استصحاب می‌گردد و در نتیجه شرط مورد نظر که موضوع تراضی طرفین قرار نگرفته غیرمعتبر و باطل قلمداد می‌شود. در مثال گذشته اگر در قبض ورودی پارکینگ یا بر دیواره گیشه ورودی آن مطلبی نوشته شود دائر بر این که پارکینگ مسئولیتی در قبال سرقت خودرو یا وسایل داخل آن ندارد در پارکینگ های عمومی که مجهز به دوربین مدار بسته متصل به دفتر مدیریت و دارای مراقب می‌باشند شرط تحمیلی محسوب می‌شود و به هیچ علتی برای پذیرش آن توسط راننده و مالک خودرو در زمان ورود وجود ندارد و در این صورت نباید در عدم تراضی طرفین نسبت به چنین شرطی و بطلان آن تردید روا داشت.

در حقوق فرانسه هم دکترین برای معتبر شناختن چنین اطلاعاتی سه شرط را ضروری شمرده‌اند: ۱- مشتری باید نسبت به این اطلاعات شناخت پیدا کرده باشد؛ ۲- این شناخت قبل از انعقاد قرارداد صورت گرفته باشد و ۳- این اطلاعات را مورد قبول قرار داده باشد.^۱ رویه قضایی نیز شروطی را که طرف قرارداد فرصت شناخت آن را نیافته معتبر نمی‌داند^۲، رویه‌ای که به تأیید دیوان عالی کشور فرانسه نیز رسیده است.^۳ رأی دادگاه استان بوردو در این رابطه قابل توجه است که این رأی، شرط عدم مسئولیت متصدی هتل را که در محل پذیرش میهمانان در بدو ورود نصب شده بوده غیر معتبر اعلام نموده زیرا به نظر قضات این دادگاه، صرف نصب چنین شرطی دلیلی بر اثبات رضایت و قبول شرط توسط ... قلمداد نمی‌شود و عدول از مسئولیت قانونی هتل دار نیاز به شرط مخالفی دارد که به طور مسلم مورد قبول واقع شده باشد.^۴

بند دوم - شروط تحمیلی مندرج در ضمایم قراردادی

یکی از رایج‌ترین روش تحمیل شروط ضمن عقد، درج آن در ضمایم قراردادی است که کمتر جلب توجه طرف قرارداد قرار می‌گیرد به این نحو که با ذکر جمله‌ای در خود قرارداد بار قبول آن شروط توسط امضاکنندگان قرارداد را با ارجاع صریح یا غیر مستقیم به آن تصریح می‌گردد بدون این که ذیل آن ضمایم امضاء شود تا با توجه بیشتری به محتوای ضمیمه در مذاکره و واریسی امضاکننده قرار گیرد و چه بسا اگر طرف قرارداد، متوجه وجود ضمایم نگردد و یا این ضمایم را جهت ملاحظه مطالبه نکند در اختیار وی قرار نمی‌گیرد و از مفاد آن مطلع نمی‌شود و با این حال در زمان اختلاف، امضاء او در قرارداد اصلی (که متضمن عبارتی حاکی از اطلاع از ضمیمه های قرارداد نیست) استناد می‌شود، بدین وسیله رضایت او نسبت به مندرجات ضمایم اثبات می‌گردد.

¹. A. ROBERT, « Une source mineure de droits civils : les affiches et les é criteaux », JCP 1958, Ed G., I, 1458.

². CA Aix, 26 oct. 1889 : D1901, II, 303- CA Paris, 21 janv. 1949 : D.1950, P.758- CA Lyon, 12 juin 1950 : D.1951, Somm., P.2; Gaz. Pal. 1950, 2, 12- CA Lyon, 24 avril 1967 : Gaz. Pal., 1967, 2, 22.

³. Cass.com., 10 fè vr. 1959 : Bull.civ., III, n 70, p.64.

⁴. CA Bordeaux, 20 janv. 1972 : gaz. Pal. 1972, 1, 426.

روش فوق از ابتداء مورد توجه قانون‌گذارانی که در زمینه شروط تحمیلی دست به تقنین زده بودند قرارگرفت و راه کارهای گوناگونی برای جلوگیری از سوء استفاده از این روش اندیشیده شد. اولین قانونی که راجع به شروط تحمیلی در فرانسه در سال ۱۹۷۸ وضع زیر پس از تعریف این شروط، هیأت وزیران را مأمور نمود تا از طریق تصویب آیین نامه، لیست این شروط را تهیه کند و ماده ۱ آیین نامه اجرایی مصوب ۲۴ مارس ۱۹۷۸^۱ به همین امر اختصاص یافت و هر شرطی که موضوع یا اثر آن، الحاق مصرف کننده و شخص غیر حرفه‌ای به شروط قراردادی باشد که در قرارداد امضا شده درج نشده است باطل اعلام کرد؛ لیکن شورای دولتی فرانسه باطل اعلام نمودن چنین شرطی را دخالت در حوزه قانون گذاری قلم داد نمود و به همین دلیل ماده یک آیین نامه مزبور را ابطال نمود و بدین ترتیب این تدبیر عقیم ماند^۲ لیست ضمیمه دایرکتیو اروپایی شماره ۹۳/۱۳ راجع به شروط تحمیلی^۳ که به موجب قانون اول فوریه ۱۹۹۵^۴ به قانون جامع مصرف فرانسه ضمیمه گردیده نیز در بند i

¹ JO 1^{er} avril 1978, p.1412 JCP 1978, é d. G., III, 47152

² CE, 3 de c. 1980 : JCP 1991, é d. CI, II, 13468, note Hagelsteen.

³ JOCE N 92,25 avril 1975, p. 1.

⁴ JO du 2 fé vr. 1995, p. 1755 et d. ; D. et ALD 1995, Lè gis., p. 119 et s. ; JCP 1995, é d G. et é d E., III, 67286 ; Defré nios 1995, lè gis., p. 241 et s- Travaux pré paratoires : Sé nat, doc n 28 ; Projet de loi n 64, Rapport de A FOSSET, au nom de la commission des affaires é conomiques ; n 58, Avis de la commission des lois ; AN, doc. N 1659, Project de loi adopté par le Sé nat ; n1775, Rapport de J- P CHARIE, au nom de la commission de production ; sé nat, doc. N 208, Projet de loi modifié par l'Assemblée nationale ; n 209, Rapport de AFOSSET, au nom de la commission des affaires é conomiques ; n 210, Avis de la commission des lois de P. FAUCHON et L. LANIER ; AN, doc. N 1904, Projet de loi adopté e par le Sé nat en deuxieme lecture ; n 1905, Rapport de J-P CHARIE, au nom de la commission de la production- De bats Parlementaires : JO Sé nat, CR 15 NOV. 1994 et 17 janv.1995 ; JOAN, CR 10 et 17 janv. 1995- Commentaires : J. CHESTIN et I. MARCHESSUX-VANMELLE, « Aperçu rapide sur la loi n 95-96 du 1er fé vrier 1995 en ce qu'elle concerne les clauses abusives et la pré sentation des contrats », JCP 1995, Ed. G., n 12, Actual. et « L'application en France de la directive visant a é liminer les causes abusives aprè s l'adoption de la loi n 95-96 du 1^{er} fé vrier 1995 », JCP 1995, é d. G., I, 3854 et é d. E., 481 ; G.PAISANT, « Les clauses abusives et la pré sentation des contracts dans la loi n 95-96 du 1^{er}fé vrier 1995 », D.1995, Chron., p.99 ; A KARIMI, « Les

خود شرط حاوی پذیرش قطعی مصرف کننده نسبت به شروطی را که وی فرصت واقعی برای شناخت آنها پیش از انعقاد قرارداد نداشته باشد تحمیلی اعلام نموده است. این لیست که تا تاریخ فوق در تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا پذیرفته شده گرچه لیست سیاه قلمداد نمی شود و دارای ارزش نمادین (valeur indicative) است و بنابراین لیست خاکستری به شمار می آید لیکن حکایت از اهمیت این قسم از شروط تحمیلی دارد.

در چنین شرایطی در حقوق فرانسه همانند حقوق ایران هم چنان این نیاز احساس می شود که با توسل به قواعد عمومی قراردادها و به ویژه بحث لزوم وجود قصد و رضا در رابطه با اعتبار یا عدم اعتبار چنین شرطی اظهار نظر نمود و زمینه را برای مبارزه با این شرط فراهم کرده به راستی بر فرض که چنین شرطی خوانده و امضا شده باشد (شرطی که دلالت بر پذیرش شروط مندرج در دفترچه ضمیمه یا قرارداد و اسنادی داشته باشد که به امضاء طرف قرارداد نرسیده)، آیا چنین امضایی حکایت از قرائت فهم و پذیرش شروط مورد ارجاع (به رغم عدم امضاء) دارد؟ در بادی امر جواب مثبت به نظر می رسد زیرا امضای ذیل چنین شرطی، اقرار کتبی محسوب می شود و نسبت به مقر نافذ است. با این همه شرط مزبور باید خوانا بوده در قرارداد در جایگاه خود گنجانده شده باشد و شرایط پیش گفته را دارا باشد و گر نه اقرار کتبی امضاء کننده مسلم نیست تا وی را پای بند نماید. به همین علت رویه قضایی

modifications des dispositions du code de la consommation concernant les clauses abusives par la loi n 95-96 du 1er février 1995», Petites affiches 1995, n 54, p.4 ; G. RAYMOND, Contrats, conc., consom. 1995, comm. 55 et 56 ; J. MESTRE, note sous la loi n 95-96 du 1^{er} février 1995, RTD civ. 1995, p.360 ; E. PETIT, «Clauses abusives, présentation et interprétation des contrats-transposition de la directive communautaire : la loi du 1^{er} février 1995», RED consom. 1995, p.59 et «la loi du 1^{er} février 1995 concernant les clauses abusives et la présentation des contrats et régissant diverses activités d'ordre économique et commercial », Lamy Economique févr. 1995, n 70, p.4 et s ; Europe avril 1995, comm. 153, note L. I. ; D. MAZEAUD, «La loi du 1^{er} février 1995 relative aux clauses abusives : véritable réforme ou simple reformette ?», Dr. et patrimoine juin 1995, p.42 ; E. BAZIN, «La nouvelle protection contre les clauses abusives», Rev. Huissiers 1995, p.523, spéc. N 14 ; C. DANGLEHANT, «Commentaire de la loi n 95-96 du 1^{er} février 1995 concernant les clauses abusives et la présentation des contrats», Ald 1995, comm. LVgis., p.127.

فرانسه برای این که ارجاع به شرایط عمومی قرارداد موثر باشد و روشن بودن شرط ارجاع‌دهنده تأکید جدی دارد^۱ و روشن و صریح بودن آن را نیز شرط می‌داند^۲ از طرفی اگر بتواند ثابت نماید که نتوانسته از شروط ارجاع شده در زمان انعقاد قرارداد در واقع اطلاع حاصل نمایند فساد اقرارش ثابت خواهد شد و بر اساس ماده ۱۲۷۷ این اقرار معتبر نخواهد بود و بدین ترتیب شرط متضمن این اقرار باطل می‌گردد و به بیان دقیق‌تر کاشف به عمل می‌آید که اقرار از ابتدا باطل بوده است. این ادعا از افراد عامی البته راحت‌تر پذیرفته می‌شود تا اشخاص مطلع و متخصص^۳ به ویژه اگر طرف وی ادعا نماید که بر اساس رویه های قراردادی سابق، شخص عامی باید از این شروط مطلع شده باشد که روشن است این اطلاع‌پذیرفتنی نخواهد بود.^۴

ج- شروط مذکور در سند تسلیم شده بعد از انعقاد قرارداد

در عمل زیاد اتفاق می‌افتد که پس از انعقاد قرارداد، شروطی در تأییدیه قرارداد (Letter confirmation) در فاکتور (facture) در رسید تحویل کالا (recu de Livraison) در بلیت (ticket) و سایر اسنادی که پس از قرارداد کتبی یا شفاهی صادر می‌شود درج می‌گردد و این شروط متضمن محتوایی اند که تحمیلی قلم‌داد می‌شوند در چنین شرایطی این سؤال مطرح می‌شود که آیا شروط مندرج در اسناد پس‌اقراردادی الزام‌آورند یا خیر؟ دیوان عالی کشور فرانسه در رأی مشهوری^۵ شرط مندرج در فاکتور خرید را به علت عدم اعتراض مشتری در زمان دریافت آن معتبر دانسته و الزام‌آور اعلام نموده است. در حالی که بر اساس قاعده «السکوت اعم من الرضا» که در حقوق فرانسه با عبارت "Le silence ne vaut pas Le

^۱ CA Lyon, 4 juin 1945 : Gaz. Pal. 1945, 2, 75.

^۲ CA Paris, 22 mars 1934, S. 1934, p.236.

^۳. با همین استدلال در حقوق فرانسه از ناحیه صاحبان حرف این ادعا پذیرفته نمی‌شود. ر. ش:

T.com, Marseille, 14 juin 1961 Gaz. Pal. 1961, II, 258.

^۴ Cass. Com., 24 nov. 1980 : D.1981, inf.rap., p. 543.

^۵ Cass. Req., 26 de c. 1898 : D.1899, I, p.319.

consentement" بیان می‌شود عدم اعتراض نمی‌بایست پذیرفته می‌شد و از این حیث رأی دیوان عالی کشور فرانسه انتقاد می‌گردید.^۱ و کمتر توسط دادگاه‌های عالی تبعیت می‌شد. در حقوق ایران علاوه بر اشکال فوق دائر بر عدم دلالت سکوت بر رضایت، ایراد دیگری نیز قابل طرح است: شرطی که پس از انعقاد عقد توسط یک طرف پیشنهاد می‌شود حتی بر فرض قبول توسط طرف دیگر معلوم نیست که شرط ضمن عقد پیشین قلم‌داد شود. علاوه بر این ممکن است چنین شرطی که خارج از عقد توافق شده شرط ابتدایی قلم‌داد گردد و وفایی به آن غیر لازم تشخیص داده شود به رأی شماره ۴۸۸ مورخ ۱۵ شهریور ۱۳۸۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری^۲ نیز می‌توان استناد نمود که بخش‌نامه سازمان ثبت اسناد و املاک را از این جهت ابطال نمود که به توافق بعدی در افزایش مهریه پس از عقد نکاح اعتبار بخشیده بود در حالی که به نظر اکثریت قضاات دیوان، مهریه همان است که در عقد نکاح ذکر شده است. در واقع بر اساس این رأی مستند به نظریه شماره ۳۵۰۷۹/۳۰/۸۸ مورخ ۱۲ مرداد ۱۳۸۸ فقیهان شورای نگهبان صادر شده بود افزودن جزء یا شرط پس از عقد به آن امکان ندارد و چنین جزء یا شرطی در حوزه عقد پیش منعقد شده قرار نمی‌گیرد. این نظر که تبعیت از آن برای قضاات لازم نیست روشن‌کننده متضمن عدم اعتبار توافق بعد از عقد نیست و چنانچه معلوم شود که این توافق صورت پذیرفته دست کم می‌تواند به عنوان عقد غیر معین معتبر شناخته شود. از آن گذشته زمانی که در بحث «وحدت و کثرت» در فلسفه وجود شناسی، امکان زمینه شدن یک وجود مستقل به وجود دیگر و ایجاد وحدت بین آن دویذیرفته شده، در فلسفه وجودهای اعتباری که تابع اراده است به نحوی که در رابطه با عقود گفته شد «العقود تابعه للقصد» به راحتی می‌توان از امکان توافق بعدی و ضمیمه نمودن شرطی بعد از عقد به آن دفاع نمود. بدین ترتیب به نظر این ایراد چندان برای مبارزه با این شروط کارساز نباشد. با توجه به آن چه گذشت مهم‌ترین ایرادی که در این رابطه در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه قابل طرح هست همانی است که گفته شد یعنی دریافت سند و مدرک جدیدی توسط طرف قرارداد که حاوی شرط جدید است و عدم

^۱ A.KARIMI les clauses abusives et l'athéorie de l'abus de droit, L.G.D.J, 2001 ; n 389

^۲ روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۹۲ مورخ ۵ مهر ۱۳۸۸.

اعتراض این شخص به منزله سکوت است و سکوت بر اساس اصلی پذیرفته شده اعم از رضایت و عدم رضایت است و تا زمانی که رضایت احراز نگردد نمی‌توان چنین شرطی را معتبر دانست و وفای بدان را لازم دانست. به همین دلیل است که دادگاه‌های فرانسوی، سکوت و عدم اعتراض دریافت‌کننده فاکتور، بلیت و اسناد پساقرداد را دال بر سکوت دریافت‌کننده قلمداد نمی‌کنند.^۱ شعبه تجاری دیوان عالی کشور فرانسه در پرونده‌ای شرط عدم مسئولیت مندرج در رسید تحویل کالا (Buttetin de livraison) در یک قرارداد حمل و نقل را معتبر ندانست به رغم این که در قراردادهای سابق منعقد شده بین متصدی حمل و نقل و ارسال‌کننده کالا چنین شرطی وجود داشته است.^۲ رأی مشهور ۱۴ مه ۱۹۹۱ شعبه مدنی دیوان نیز که شرط عدم مسئولیت مذکور در رسید تحویل فیلم به لابراتوار عکاسی را باطل اعلام نمود با همین استدلال می‌توانست توجیه شود.^۳ روشن است که هرگاه بتوان از اوضاع و احوال، رضایت دریافت‌کننده اسناد پساقرداد را نسبت به شروط مندرج در آن احراز نمود این شروط معتبر خواهند بود. این چنین است شروطی که متضمن ارکان اصلی عقد یعنی ثمن و مثن می‌باشند و در فرانسه "clauses essentielles" خوانده می‌شوند.^۴ چنین شروطی البته در حقوق ایران شروط ضمن عقد محسوب نمی‌شوند چون متضمن ارکان اصلی عقدند. برعکس در شروطی که دارای به وصف تحمیلی می‌باشند چون پذیرش آن توسط طرف به طور معمول غیر معقول به نظر می‌رسد اصل بر عدم رضایت طرف قرارداد نسبت بدان است و بار اثبات رضایت برعهده مدعی پذیرش چنین شرطی توسط طرف قرارداد سنگینی می‌کند.

۱. M.TROCHU, Y. TREMORIN et P. BERTHON, «La protection des consommateurs contre les clauses abusives : Etude de la législation française du 10 janv. 1978», Dr.com. Int. 1981, t. VII, p.54.

۲. Cass. Com, 24 nov. 1980 : D.1981, inf.rap., p. 543.

۳. V.A. KARIMI, Essai sur la notion de clauses abusives après l'arrêt du 14 mai 1991 de la Cour de cassation, Mémoire DEA de Droit privé, Strasbourg, 1992, n 146 et s.

۴. DE Lamberterie I. et WALLAERT C., «Le contrôle des clauses abusives dans l'intérêt des consommateurs dans les pays de la Communauté Economique Européenne».- la France, RID comp. 1982, p.1093.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و گرایش تطبیقی و با جمع‌آوری منابع از طریق کتابخانه‌ای امکان مبارزه با شروط تحمیلی در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه از طریق قاعده عمومی لزوم قصد و رضا در شروط ضمن عقد همانند خود عقد بحث و معلوم شد که در هیچ‌یک از دو نظام نمی‌توان در کل حکم به عدم وجود قصد و رضا در شروط تحمیلی نمود و از این طریق حکم بطلان کلی این شروط را به دست آورد. با این همه بخش مهمی از این شروط با توسل به قاعده کلی لزوم قصد و رضا، قابل حذف از قراردادها می‌باشند و می‌توان به علت فقدان قصد و رضا آن‌ها را باطل اعلام کرد. در هر دو نظام حقوقی امضای ذیل قرارداد، ظهور در مطالعه تمام شروط و اجزاء قرارداد و قبول همگی آن‌ها دارد لیکن شروط ناخوانا و شروطی که در بخش‌های غیرمرتبط قرارداد در شده‌اند از چنین ظهوری بی‌بهره‌اند و مشمول اصل عدم (رضایت) می‌گردند و از درجه اعتبار ساقط می‌شوند. شروطی که پذیرش آن‌ها توسط امضاکننده قرارداد الحاقی غیرمعقول است و نیز به نظر در حوزه تراضی طرفین واقع نشده باشد و در حقوق فرانسه دادگاه‌ها آن‌ها را به همین دلیل باطل می‌نمایند و در حقوق ایران نیز به نظر به علت بلاجهت بودن آن و عدم رعایت قاعده «للشروط قسط من الثمن» و عدم تأثیر این شروع به اقتضاء قراردادی باطل باشند. شروطی که در محل نصب می‌شوند شروطی که در ضامنه قراردادی می‌آیند و با ارجاع در قرارداد بدان‌ها و بدون امضای ضامنه در ردیف قرارداد جای می‌گیرند و نیز شروط مذکور در اسناد تسلیم شده پس از انعقاد قرارداد نیز از شروطی می‌باشند که رضایت طرف مقابل نسبت به آن‌ها مسلم نیست چنین رضایتی باید اثبات گردد و هرگاه این شروط واجد وصف تحلیلی باشند عدم رضایت طرف قربانی این شروط مسلم‌تر به نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی:

- ۱) امامی، سیدحسن (۱۳۳۵). حقوق مدنی. جلد ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- ۲) جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۴۹). تأثیر اراده در حقوق مدنی. تهران: بی‌نا.
- ۳) شهیدی، مهدی (۱۳۷۷). تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد ۱. بی‌جا، حقوق دانان.
- ۴) صفایی، سیدحسین و قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۹۶). اشخاص و محجورین. تهران: سمت.
- ۵) صفایی، سیدحسین (۱۳۹۹). قواعد عمومی قراردادها. بی‌جا، میزان.
- ۶) کاتوزیان، امیرناصر (۱۳۷۱). قواعد عمومی قراردادها. ج ۲. بی‌جا، شرکت سهامی انتشار.

ب) منابع فرانسوی:

A. کتب و مقالات:

- 1) KARIMI A., Les cluses abusives et la thé orie de l'abus de droit, LGDJ, (2000)
- 2) KARIMI A., "A comparative study of the principles and Condition of Electronic contracts in International law and iran" Revista Espacios ISSN:0798-1015,
- 3) KARIMI A., "Basic condition of validity of Electronic contracts in iran and UNCITRAL model law" Journal of history culture and Art Rsearch,ISSN: 2147-0626
- 4) KARIMI A., " Investigating the terms and Conditions of Electronic contracts from the perspective of Iranian laws and Uncitral Journal of Advanced Research in law and Economics, ISSN: 2068-696X
- 5) KARIMI A., "Principles and Rules of Transnational Civil procedure"
- 6) KARIMI A., "Applying the Rule of Denial of Hardship on Imposed CONDITIONS IN Contracts" International Journal of Humanities and cultural studies ISSN: 2356-5926
- 7) KARIMI A., "The Analysis of pre-selling Building Act from the Viewpoint of Fighting with unfair terms" International Journal of Humanities and cultural studies ISSN: 2356-5926
- 8) KARIMI A., "les clauses abusives et le controle de desequilibre contractuel par le droit commun des contrats."
- 9) KARIMI A., Analyzing the politico-moral fooundations of the Iran's health system based on theories of justice Journal of Medical Ethics and History of Medicine".
- 10) KARIMI A., "Applying the Rule of Denial of Hardship on Imposed Conditions in Contracts" International journal of humantes and cultural studies ISSN: 2356- 5926.

- 11) KARIMI A., "The Analysis of pre-selling Building Act from the Viewpoint of fighting with " Internation journal of humanities and Cultural studies ISSN : 2356- 5926
- 12) KARIMI A., "Reviews dedication of the anfal from the perspective of jurisprudence and legal", journal of law and ethics.
- 13) KARIMI A., "REVISTA DE DREPT INTERNATIONAL PRIVAT SI DREPT PRIVAT COMPARAT"ISSN :I843-3995
- 14) KARIMI A., ESSAI DE SYSTEMATION SUR L'APPLICATION DE LA THEORIE DE L'ABUS DE DROIT EN MATIERE CONTRACTUELLE etudes offertes au doyen philippe simler.
- 15) SAINT-REMY (DE) R., De la ré vision des clauses lé onines dans les contracts d'adhé sion, Th. Paris, (1928).

B. آراء ومقررات:

- 1) CA Bourges, 4 fè vr. 1963 : D. 1963, P.239.
- 2) TGI Paris, 20 mai 1968 : Gaz. Pal. 1968,2, 135.
- 3) CA Bourges, 4 fè vr. 1963, pré cit.
- 4) TGI, Paris, 20mai 1968, pré cit.
- 5) Cass 1^{re} civ., 3 mai 1979: Bull. civ., I, n128, D.1980, inf. rap., p 262, note J. Ghestin; RED com 1980, p. 140, note J. Hé rmard.
- 6) Cass 1^{re} civ., 16 juill. 1987: Bull.civ. I, n 226; D. 1987, somm., p. 456, note J-L Aubert; Ibid 1988, p.49, note J. Calais- Auloy; JCP 1988, é d. G., II, 21001 et Ibid, é d. E., II, 15223, note G. Paissant.
- 7) Recommandation n94-02 relative aux contrats concernant les cartes de paiement assorties ou non dun credit : BOCC 27 sept.1994: JCP1995, ed. G.,III, 67053.
- 8) G.BERLIOZ, le contrat dadhesion L.G.D.J, SEED,1976,n935
- 9) CA Bourges, 4 fè vr. 1963 : D1963,p.239.
- 10) Cass. Com., 21janv. 1959: Bull.civ., III, P.29, n34.
- 11) Ch. GIAUME, La Protection du consommateur contre les clauses alusires, Th. Nice, 1989,p. 138
- 12) A ROBERT, «Une source mineure de droits civils: les affiches et les é criteaux», JCP 1958, Ed G., I, 1458.

- 13) CA Aix, 26 oct. 1889 : D1901, II, 303- CA Paris, 21 janv. 1949 : D.1950, P.758- CA Lyon, 12 juin 1950 : D.1951, Somm., P.2; Gaz. Pal. 1950, 2, 12- CA Lyon, 24 avril 1967 : Gaz. Pal., 1967, 2, 22.
- 14) Cass.com., 10 févr. 1959 : Bull.civ., III, n 70, p.64.
- 15) CA Bordeaux, 20 janv. 1972 : gaz. Pal. 1972, 1, 426.
- 16) JO 1^{er} avril 1978, p.1412 JCP 1978, é d. G., III, 47152.
- 17) CE, 3 déc. 1980 : JCP 1991, é d. CI, II, 13468, note Hagelsteen.
- 18) JOCE N 92,25 avril 1975, p. 1.
- 19) JO du 2 févr. 1995, p. 1755 et d. ; D. et ALD 1995, Lègis., p. 119 et s. ; JCP 1995, é d G. et é d E., III, 67286 ; Defré nios 1995, lègis., p. 241 et s- Travaux préparatoires : Sénat, doc n 28 ; Projet de loi n 64, Rapport de A FOSSET, au nom de la commission des affaires économiques ; n 58, Avis de la commission des lois ; AN, doc. N 1659, Project de loi adopté par le Sénat ; n1775, Rapport de J- P CHARIE, au nom de la commission de production ; sénat, doc. N 208, Projet de loi modifié par l'Assemblée nationale ; n 209, Rapport de AFOSSET, au nom de la commission des affaires économiques ; n 210, Avis de la commission des lois de P. FAUCHON et L. LANIER ; AN, doc. N 1904, Projet de loi adopté par le Sénat en deuxième lecture ; n 1905, Rapport de J-P CHARIE, au nom de la commission de la production- Débats Parlementaires : JO Sénat, CR 15 NOV. 1994 et 17 janv.1995 ; JOAN, CR 10 et 17 janv. 1995- Commentaires : J. CHESTIN et I. MARCHESSUX-VANMELLE, «Aperçu rapide sur la loi n 95-96 du 1^{er} février 1995 en ce qu'elle concerne les clauses abusives et la présentation des contrats», JCP 1995, Ed. G., n 12, Actual. et« L'application en France de la directive visant à éliminer les causes abusives après l'adoption de la loi n 95-96 du 1^{er} février 1995», JCP 1995, é d. G., I, 3854 et é d. E.,481 ;G.PAISANT,«Les clauses abusives et la présentation des contrats dans la loi n 95-96 du 1^{er}février 1995», D.1995, Chron., p.99 ; A KARIMI, «Les modifications des dispositions du code de la consommation concernant les clauses abusives par la loi n 95-96 du 1^{er} février 1995», Petites affiches 1995,n 54, p.4 ; G.RAYMOND, Contrats, conc.,consom. 1995, comm.55 et 56 ; J. MESTRE, note sous la loi n 95-96 du 1^{er}février 1995, RTD civ. 1995, p.360 ; E.PETIT,«Clauses abusives, présentation et interprétation des contrats- transposition de la directive communautaire : la loi du 1^{er} février 1995», RED

consom. 1995, p.59 et «la loi du 1^{er} février 1995 concernant les clauses abusives et la présentation des contrats et régissant diverses activités d'ordre économique et commercial», Lamy Economique févr. 1995, n 70, p.4 et s ; Europe avril 1995, comm. 153, note L. I. ; D. MAZEAUD, «La loi du 1^{er} février 1995 relative aux clauses abusives : véritable réforme ou simple réformatte ?», Dr.et patrimoine juin 1995, p.42 ; E. BAZIN, «La nouvelle protection contre les clauses abusives», Rev. Huissiers 1995, p.523, spéc N 14 ; C. DANGLEHANT, «Commentaire de la loi n 95-96 du 1^{er} février 1995 concernant les clauses abusives et la présentation des contrats», Ald 1995, comm. LVgis., p.127.

20) CA Lyon, 4 juin 1945 : Gaz. Pal. 1945, 2, 75.

21) CA Paris, 22 mars 1934, S. 1934, p.236.

22) T.com, Marseille, 14 juin 1961 Gaz. Pal. 1961, II,258.

23) Cass. Com, 24 nov. 1980 : D.1981, inf.rap.,p. 543.

24) Cass. Req., 26 déc. 1898 : D.1899, I, p.319.

25) A. KARIMI les clauses abusives et l'athéorie de l'abus de droit, L.G.D.J, 2001 ; n389.

26) M.TROCHU, Y. TREMORIN et P. BERCHON(1981) «La protection des consommateurs contre les clauses abusives : Etude de la législation française du 10 janv. 1978», Dr.com. Int. 1981, t. VII, p.54.

27) Cass. Com(1980), 24 nov. D.1981, inf.rap., p. 543.

28) V.A. KARIMI. (1992) Essai sur la notion de clauses abusives après l'arrêt du 14, mai 1991 de la Cour de cassation, Mémoire DEA de Droit privé, Strasbourg, n 146 et s.

29) DE Lamberterie I. et WALLAERT C. (1982) «Le contrôle des clauses abusives dans l'intérêt des consommateurs dans les pays de la Communauté Economique Européenne».- la France, RID comp, p.1093.